

Research Article

Semantics of Commanding and Forbidding Commanding the Good and Forbidding the Evil in the Qur'an

Mohammad Danyari¹, Abbasali Haidary^{2*}, Mahmoud Ghauomzadeh³

Abstract

The Holy Quran is a book of guidance and a source of mercy and good news for Muslims. Throughout history, Quranic verses and themes have been an artistic tool and an inspiring source for poets and writers. Acquired according to the semantic system in which it is located. This article, which is of qualitative type and has been written with a descriptive-analytical method, has analyzed the semantics of the word and the concept of "commandment" in the two duties of the famous commandment and the prohibition of evil. Examining the views of jurists and research in jurisprudential texts, in this study it was concluded that commanding and forbidding in the two duties of commanding the good and forbidding the evil, does not necessarily have a single meaning in all of them, but for each level of meaning, the meaning of this the words should be considered in the appropriate order.

Keywords: Holy Quran, Principles of Jurisprudence, Enjoining the Good, Prohibition, Semantics

How to Cite: Danyari M, Haidary A, Ghauomzadeh M., Semantics of Commanding and Forbidding Commanding the Good and Forbidding the Evil in the Qur'an, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(57):61-74.

1. Ph.D. Student Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
3. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

Correspondence Author: Abbasali Haidary

E-mail: aa-heidari@iau-arak.ac.ir

Receive Date: 2021.08.02

Accept Date: 2024.06.18

معناشناسی امر و نهی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

محمد دانیاری^۱، عباس علی حیدری^۲، محمود قیوم زاده^۳

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت و مایه رحمت و بشارت برای مسلمانان است. در طول تاریخ آیات و مضامین قرآنی ابزاری هنری و منبعی الهام بخش برای شاعران و ادیبان بوده است. معناشناسی عامل بسیار مهمی است که به وسیله آن می توان به تحلیل معنای واژگان یک متن پرداخت و جایگاه و مفهوم واقعی و دقیق کلمات و ترکیب های آن را با توجه به نظام معنایی که در آن قرار دارد به دست آورد. این نوشتار که از نوع کیفی است و با روش توصیفی تحلیلی به رشته تحریر درآمده، به تحلیل معناشناسی واژه و مفهوم "امرو نهی" در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. با بررسی نظرات فقها و کنکاش در متون فقهی، در این پژوهش چنین استنتاج شد که امر و نهی در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در همه مراتب آنها الزاماً معنای واحد نداشته بلکه برای هر مرتبه ای از مراتب باید تطابق معنایی این الفاظ با مرتبه مربوطه لحاظ گردد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اصول فقه، امر به معروف، نهی، معناشناسی

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
۳. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

ایمیل: aa-heidari@iau-arak.ac.ir

نویسنده مسئول: عباس علی حیدری

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

مقدمه و بیان مسئله

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب از فروع دین هستند؛ امر به معروف دعوت کردن کسی که عمل واجبی را ترک کرده به انجام آن و نهی از منکر تلاش برای جلوگیری از انجام کار حرام توسط فرد گناهکار است. از نظر فقهی امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که نسبت به معروف و منکر آگاهی داشته و احتمال تأثیرگذاری نیز بدهد. در قرآن بارها از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای ویژه برای امت پیامبر(ص)، یاد شده و گاه در کنار باورهایی چون ایمان به خدا و معاد یا اعمالی چون نماز و زکات آمده است.

امرونی معانی متعددی دارند از طرفی امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب سه گانه نیز می‌باشند که هر مرتبه شأن و کاربرد مشخص خود را دارد لذا تطبیق معنای امر و نهی با مراتب سه گانه و رعایت تناسب در بکارگیری معنا با مراتب، در فهم این دو فریضه و سپس اجرای آنها بسیار مهم است. پژوهشی که اینک فراروی شماست از نوع کیفی می‌باشد و با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده و به دنبال واکاو و شناخت مراد از "امرونی" در هر یک از مراتب امر به معروف و نهی از منکر و تبیین این است که "امرونی"، صرفاً معنای دستور و فرمان دارد یا غیر دستور را نیز شامل می‌شود؟ چگونه امر یا نهی صورت گیرد که مخاطب در نتیجه آن واکنش منفی و جنبه‌گیری در مقابل امر یا نهی نداشته، بلکه با دریافت حق ضمن پذیرش موضوع، اثرپذیری مطلوب هم در او مشاهده شود؟

پژوهش حاضر بر آن است که با توجه به تعدد معانی الفاظ "امرونی" و نیز تعدد مراتب امر به معروف و نهی از منکر، روشن کند که کدام معنای امر و نهی با کدام مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر سنخیت دارد و آیا ممکن است معنی دستور و فرمان در تمام مراتب استفاده شود؟ به فرض تعمیم معنای دستور و فرمان، به همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر، روشن شود که چگونه لفظی که جبر معنای حقیقی آن نامیده شده در فعلی به کار رفته که تکلیفی را به وجود می‌آورد که این تکلیف اساساً با رأفت و محبت انجام می‌گیرد؟

پیشینه تحقیق

در رابطه با پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه که می‌تواند در زمره پیشینه پژوهش حاضر باشد باید گفت در کتب مرجع فقهی به امر به معروف و نهی از منکر بیشتر از جنبه حکمی پرداخته شده و مباحث کلی از قبیل: نوع و جوب، شرایط، مراتب و اهمیت آن طرح شده است و فقها عمدتاً به بُعد فردی و جنبه تکلیفی این دو فریضه توجه نموده‌اند.

در کتب فقهی تعریف مبسوط و مشخصی از امر و نهی دیده نمی شود در میان تعاریف نزدیک به هم، اوج تعریفی که از امر و نهی استنباط می شود سیاق تعریف اصولی است که صرفاً علامه حلی در تحریر این دو واژه را بر اساس آن (علو و استعلا در امر) تعریف نموده است.

شایان ذکر است که در این زمینه مقالاتی نیز نوشته شده است که بارزترین آن‌ها عبارتند از:

- مقاله «امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن» از «سید اسماعیل حسینی اجداد و اکرم رخشنده نیا» (۱۳۹۱ ش). مهم‌ترین دستاورد این مقاله آن است که انجام دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر توسط آحاد مومنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب طلبی نمی شود، بلکه باعث استحکام پایه‌ها و باورهای اسلامی می شود و در تربیت عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ همچنین عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد.

- مقاله «امر به معروف و نهی از منکر و روش‌های تأثیرگذار آن از نظر امام رضا (ع)» از «سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی و حسین براتی» (۱۳۹۱ ش). نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیدند که عمل به دستورهای الهی، امیدوار کردن مخاطب، داشتن حسن ظن به مخاطب، معرفی الگوهای خوب و بد، بیان خوبیها با ایجاد محبت، جایگزین کردن، رسوا کردن چهره‌های مختلف، بیان علت و فلسفه یک حکم نمایش دسته، جمعی، استعلایی بودن امر و نهی، و حفظ عزت نفس آخرین حد تا توان. هر یک از این روشها در جای خود، بررسی شد. با مشاهده این روش متوجه، تیرگذار آهائی نوعی انطباق بین زندگی امام رضا (ع) و انجام این واجب میشویم و قابل جمع بودن این دو فعل را در عمل، مشاهده می کنیم

وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های مذکور آن است که مقاله حاضر قائل به تلفیق معانی و عدم اختصاص معنی خاص برای امر و نهی به سیاقی که آن را در دستور و فرمان صرف خلاصه کرد می باشد و امر و نهی را در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر بسته به مرتبه اجرایی آن قابل تسری می بیند به این معنا که در مرتبه قلبی و لسانی امر و نهی با نر می و نوعاً بدون اجبار و استفاده از زور معنا نموده و در مرتبه عملی به لحاظ شدت امر و نهی باید از استحکام لازم برخوردار بوده و مفاد آن جنبه دستوری پیدا کند را مورد تأکید قرار می دهد.

امر و نهی در لغت و اصطلاح

امرونی از لغاتی هستند که گستره معنایی زیادی دارند و در لغت برای آنها معانی مختلف و فراوانی بیان شده است. توجه به این مطلب مهم است که لغویون نهی را ضد امر، و نقیض آن تعریف کرده اند،

بر این اساس هر آنچه که در تعریف کلمه امر، بیان گردیده نقیض آن، تعریف نهی است. امر گاهی در معنی دستور بکار رفته مانند:

وَأْتَمِرُوا بِئِنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ (طلاق / ۶) آی لیأمر بعضکم بعضا بالمعروف. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گاهی در معنی مشورت کردن:

إِنَّ الْمَالَ يَأْتِمِرُونَ بِكَ لِيُقْتُلُوكَ (قصص / ۲۰) آی یتشاورون فی قتلك (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گاهی در معنی صلاح و شایستگی و مصلحت قوله تعالی:

وَأُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرُهَا (فصلت / ۱۲) آی ما یصلحها (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) و گاهی نیز در معنی حادثه، به کار برده شده است: يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (عد / ۱۱) آی یحفظونه من المضار بأمر الله (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) یعنی او را از ضررها (حادثه ها) حفظ می کنند. غیر از این معانی در معانی دیگری نیز بکار رفته مانند:

وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ (نحل / ۷۷)

قیل معناه آن إقامة الساعة و احیاء جمیع الأموات یکون فی أقرب وقت و أسرع، و هو مبالغة. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۸) گفته شده معنای امر در اینجا به برپایی قیامت و زنده شدن مردگان در نزدیکترین و سریعترین زمان اشاره دارد.

آیه آتی أَمْرُ اللَّهِ (نحل / ۱)

اشاره به قیامت است که با عمومی ترین لفظ یعنی "امر" آن را یادآوری نموده و

آیه بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً (یوسف / ۱۸)

امر در این آیه هم به همه آنچه را که نفس اماره به سوء و زشتی امر می کند اشاره دارد. (راغب

۱۳۷۴: ۲۰۴-۲۰۰)

مشورت کردن، تبابی کردن، دستور و فرمان دسته بندی دیگری از معانی ذکر شده برای امر

است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳) یا گفته شده امر دو معنی دارد «یکی کار و چیز، جمع آن امور است و دیگری:

دستور و فرمان.» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۰) الأَمْرُ: بِمَعْنَى الْحَالِ جَمْعُهُ (أَمُورٌ) وَ عَلَيْهِ «وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ

بِرَشِيدٍ» وَ (الأَمْرُ) بِمَعْنَى الطَّلَبِ جَمْعُهُ (أَوَامِرٌ) (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۱) نهی: منع کردن و باز داشتن از

چیزی. (راغب، ۱۳۷۴: ۴۰۳)

نهی در کتاب "العین" (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۹۳)، "الصالح" (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۱۷)، "المحیط

اللغة" (صاحب، ۱۴۱۴: ۶۸) خلاف امر معنا شده است یعنی کسی دیگری را از انجام کاری نهی کرده

و مانع شود. نهی: زجر و منع (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۶) نهی یعنی کسی را از چیزی بازداشتن چنانکه

خداوند متعال از ارتکاب حرام منع فرموده است یا نهی با ضم "نون" که به عقل برمی گردد از آن جهت

که عقل از کار زشت منع می‌کند. (فیومی، بی تا: ۶۲۹) همین تعریف از نهی در قاموس نیز ذکر شده است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۷)

امرونی در اصول فقه

امر و نهی عنوان بخشی از مباحث اصول فقه که به چگونگی تفسیر اوامر و نواهی شرعی می‌پردازد. بحث از امر و نهی از کهن‌ترین بخشهای اصول فقه بوده، و از نخستین مراحل پای‌گیری این دانش، مورد توجه قرار داشته است. بخش مهمی از تشریح، چه در کتاب و چه در سنت، در قالب امر و نهی صورت پذیرفته، و از همین رو، دست یافتن به درک صحیحی از امر و نهی، لازمه استنباط احکام و تفسیر شریعت بوده است. درباره سنت، باید در نظر داشت که مصداق امر و نهی، در مواردی است که سنت از گونه قولی است؛ اما در سنت فعلی یا تقریری، با آنکه اتباع سنت همچنان ضرورت دارد، بحث امر و نهی مصداقی نمی‌یابد. از نظر تاریخی، مبحث امر و نهی همچون دیگر مباحث کهن الفاظ، در ارتباطی مستقیم با دلیل کتاب و کاربردهای آن شکل گرفته، و گسترش یافته است. این مبحث در باب بندی علم اصول، در زمره آن گروه از مباحث الفاظ است که به تفسیر گونه‌های لفظی می‌پردازد. در یک کلام باید گفت در اصول فقه در بحث اوامر و نواهی به تعریف معنای امر و نهی، پرداخته شده که برای تبیین موضوع و دست یافتن به تمامی زوایای معنا و مفهومی که برای امر و نهی وجود دارد، بررسی آنها ضروری است و قطعاً در تبیین موضوع حاضر، کمک کننده خواهد بود. برای بررسی معنای امر و نهی باید دو جنبه را در نظر گرفت: ۱. قولی یا فعلی بودن امر و نهی ۲. امر و نهی عالی نسبت به دانی یا بالعکس. سید مرتضی در الذریعه به اختلاف بین علما در معنای لفظ امر اشاره کرده که برخی این لفظ را مختص به قول میدانند نه فعل و در معنای فعل بصورت مجاز تعبیر نموده اند و برخی دیگر لفظ امر را مشترک بین قول و فعل و حقیقت بین آن دو دانسته اند. سید مرتضی خود استعمال لفظ امر در زبان عربی را یک بار در قول و دیگر بار در فعل صحیح دانسته است. (سید مرتضی، بی تا: ۲۷)

برآیند و نتیجه این اختلاف این است که بر اساس قائلین به نظریه قولی بودن امر به معروف و نهی از منکر، کسی که خود گناهکار است و مرتکب منکر می‌گردد می‌تواند امر و نهی نماید اما بر اساس قائلین به نظریه فعلی بودن امر به معروف و نهی از منکر، کسی که مرتکب فعل منکر می‌شود و گناهکار است، هرگز تازمانی که بری از گناه و منکر نشده حق امر و نهی ندارد.

شایان ذکر است که امر و نهی، از منظر عالی و یا دانی بودن امر و ناهی نیز قابل بحث است «و الأمر والنهی علی مقتضی الأصول عبارة عن قول الأعلى للادنی: افعَل، أو لا تفعل، مقترباً بالإرادة و الکراهة، و فیما قصدناه عبارة عما أثر وقوع الحسن و ارتفاع القبیح من الغیر من الأقوال و الأفعال.» (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۶۴) امر و نهی به مقتضای اصول عبارت از سخن عالی نسبت به دانی است: انجام بده، یا

انجام نده، از روی اراده یا کراهت، آنچه مقصود ماست عبارت از اثر وقوع کار پسندیده و از بین رفتن کار ناپسند توسط دیگری با گفتار و کردار است.

در اصول استنباط ظاهر معنای ماده امر را «طلب نمودن انجام کار به وسیله کلام به لحاظ برتری مقام» تعریف کرده است. و این معنا را شامل دو معنای وجوب و استحباب دانسته است و گفته شده البته در صورت اطلاق بدون قرینه، معنای اوّل متبادر میشود چرا که شدت طلب در وجوب بیشتر است. (حیدری، ۱۴۱۲: ۷۷)

اختلاف و تشّتت آرا در معنای امر و نهی، استنباط شمول و گستره معنا و کاربردهای متفاوت آنها در حوزه های مختلف معنایی را به دنبال دارد. در قرآن کریم نیز امر در معانی گوناگون بکاررفته و بر این گوناگونی و گستره معنایی صحنه گذاشته و تأیید نموده است. قابل ذکر است که هریک از این معانی در جایگاه بکار رفته، مورد استفاده بوده و در بین علما و حتی محاوره، این معانی ساری و جاری است و تصویری از بکارگیری اشتباه به اذهان تبادر پیدا نمی کند این اختلاف و تشّتت آراء در معنی قول و فعل برای امر قابل جمع می باشد و نهایتاً منتج به این نتیجه می گردد که امر و نهی معنای بعث و برانگیختن و در حقیقت تشویق به یک چیز مورد پسند قاطبه مردم و بلکه عقلاست که مطابق ذات و فطرت آدمی بوده لذا این خیر و صلاح جنبه دستور و فرمان آن را پوشش میدهد و پذیرش مأمور به را میسر میکند.

امر و نهی در فقه

گستره معنایی امر و نهی، قابلیت و مزیتی برای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کرده تا با توجه به شرایط و مراتب این دو فریضه و سایر شؤون مختلف آنها مانند وجوب و استحباب، مورد استفاده قرار گیرند لذا امکان ایجاد تناسب معنا با هریک از مراتب، معطوف به این مهم می باشد و اگر این قابلیت و انعطاف در معنا وجود نداشت فهم فریضه با لحاظ شرایط و مراتب آن بسیار دشوار و بعضاً غیر ممکن می شد.

فاضل مقداد "امر" را به معنای درخواست انجام کاری از دیگری و "نهی" را مانع شدن از کاری که فردی می خواهد انجام دهد تعریف کرده است. (مقداد، ۱۴۲۵: ۴۰۴)

با این تعریف "امر" و "نهی" وجهی جبر و قهر پیدا نمی کنند و چون بحث درخواست به جای دستور و فرمان مطرح است مأمور به هم جبهه گیری منفی نداشته بلکه اثرپذیری قلبی و باطنی بهتری از خود به نمایش خواهد گذاشت. با عنایت به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که شؤون مختلف کاربردی این دو فریضه هستند این معنی در مراتب پائین قابل بهره برداری بوده و اساساً غیر وجوبی و غیر مولوی می باشند.

امام (ره) امر و نهی از جانب امر و ناهی را دارای مولویت دانسته و لزوم دستور به انجام معروف و ترک منکر را لازم میداند هر چند که امر و ناهی در مرتبه پائین باشند لذا در مسأله ۱۲ می فرماید:

«کفایت نمی کند اینکه بگوید: بدرستی که خدا تو را به نماز فرمان داده یا تو را از خوردن شراب نهی کرده است مگر اینکه مقصود از امر به معروف و نهی از منکر (با آن) حاصل شود، بلکه لابد است اینکه بگوید: مثلاً، نماز بخوان، یا شراب نخور، و مانند اینها از جملاتی که مفید امر کردن و نهی نمودن از جانب وی می باشد.» (خمینی (ره) بی تا: ۴۶۵)

اینکه امر و نهی از جانب امر و ناهی دارای مولویت است ولو اینکه امر و ناهی در مرتبه پائین باشند ناظر به بحث وجوب و استحباب در امر به معروف و نهی از منکر است. در هر یک از مراتب سه گانه امر به معروف و نهی از منکر، وجوب و استحباب جریان دارد با این وجود تنافی با انجام امر و نهی از ایسر هم به وجود نمی آید چون عمده موارد امر و نهی در مراتب پائین، ارشادی و استحبابی می باشند و طبیعتاً آسانتر از مرتبه یدی هستند.

گستره معنایی این قابلیت را به این دو فریضه می دهد که امر به معروف و نهی از منکر در شؤون مختلف مانند مراتب سه گانه، وجوب و استحباب، جنبه اجتماعی و فردی مورد استفاده قرار گیرد. و هر کدام از اهمیت ویژه برخوردارند مثلاً در اهمیت امر و نهی اجتماعی آیت الله مکارم در ذیل آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران می فرماید: به دنبال آیات پیشین که مسئله اخوت و اتحاد را توصیف می کرد در این آیه اشاره به مسئله "امر به معروف" و "نهی از منکر" شده که در حقیقت بمنزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است چون بدون این مسئله ریشه اجتماع خشکیده و نابود میگردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵)

با عنایت به اینکه امر به معروف و نهی از منکر ذومراتب می باشد و هر مرتبه شأن خاص خود را دارد مراد از امر و نهی در این دو فریضه الهی صرف دستور و فرمان آن هم در تمامی مراتب آن نیست. بنابراین باید معنای امر و نهی، متناسب با هر یک از مراتب فهم شود. حال به منظور روشن تر شدن بحث از سطوح مختلفی که برای امر بیان گردیده کمک می گیریم.

سطوح سه گانه امر و نهی

برای امر و نهی سه سطح قابل تعریف است: ۱. امر و نهی عالی نسبت به دانی ۲. امر و نهی دانی نسبت به عالی ۳. امر و نهی مساوی نسبت به مساوی

در دستوری بودن سطح اول اتفاق نظر وجود دارد و این معنا برای آن حقیقت دانسته شده است اما نسبت به سطوح دوم و سوم، امر و نهی معنای وجوبی و دستوری خود را از دست داده و معنای غیر وجوبی از آن ذکر شده است سید مرتضی وجوب اعتبار رتبه در امر را بدون شبهه می داند. و می گوید

قبیح است که کسی بگوید به امیر دستور دادم یا او را نهی کردم ولی قبیح نیست اینکه بگوید به او خبر دادم یا از او خواستم. پس دلالت می‌کند بر اینکه اعتبار رتبه در امر معتبر است. و واجب است که این اعتبار فقط هنگامی که امر اعلی رتبه از مأمور است اطلاق پیدا کند پس هنگامیکه امر پایین مرتبه تر از مأمور باشد یا مساوی با او باشد دیگر گفته نمی‌شود که او را امر کرد. (سید مرتضی، بی تا: ۳۵) صاحب کفایه علو امر را در معنی امر معتبر دانسته و طلب سافل یا مساوی از عالی را امر نمیداند و می‌گوید اگر امر به آن اطلاق شود به نحو عنایت است از طرفی طلب عالی را مطلقاً امر می‌داند و لو اینکه از روی خضوع و فروتنی طلب خود را آمرانه ابراز نکنند. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۶۳)

مرحوم علامه مظفر امر را طلب مخصوص معرفی نموده و طلب مخصوص را هم طلب عالی از دانی که نتیجه این، علو شخص امر است. ایشان طلب دانی از عالی را استدعا نامیده و نیز طلب شخص مساوی از مساوی را التماس نام نهاده است. ایشان نیز در ادامه استعلا و برتری طلبی فرد دانی یا مساوی را علیرغم ادعای برتری طلبی و آشکار نمودن این برتری طلبی امر حقیقی ندانسته اما طلب عالی را امر معرفی میکند اگر چه تظاهر و میل به برتری نداشته باشد این (امر بودن طلب عالی) به حکم تبادر و صحت سلب امر از طلب غیر عالی است و صحیح نیست اطلاق امر به طلب غیر عالی مگر به نحو عنایت و مجاز اگر چه طلب برتری داشته باشد. (مظفر، ۱۴۳۰: ۱۰۸)

دسته بندی مطالب در راستای تبیین مراد از امر و نهی، حاکی از این است که امر و نهی بر اساس سطوح سه گانه، در هر کدام از مراتب امر به معروف و نهی از منکر، جریان دارد ولی تعیین کننده معنا در دو فریضه، برای امر و نهی نیستند آنچه تعیین کننده معنای امر و نهی در امر به معروف و نهی از منکر است بحث حکمی این دو فریضه یعنی وجوب و استحباب است لذا در هر مرتبه، هم وجوب وجود دارد و هم استحباب و هم سطوح سه گانه، اما آنچه تعیین کننده معنای دستوری یا غیر دستوری است همان وجوب یا استحباب است که در صورت وجوب دستور و فرمان معنای امر و نهی خواهد بود و هر معنای دیگری رافع تکلیف شرعی نخواهد بود و در صورت استحباب معانی غیر دستوری، برای امر و نهی صحیح خواهند بود.

پیچیدگیها و ظرافتهای معنایی امر و نهی، باعث شده که برخی تعریف این دو فریضه الهی را ناقص بدانند؛ چنانکه در کتاب راه نجات در بحث مفهوم شناسی این دو فریضه، تعریف و تبیین ناقص از امر به معروف و نهی از منکر، تنگناهایی دانسته شده که باعث گردیده آن‌ها نتوانند در جایگاه رفیع خود قرار گیرند. (حاج صادقی، ۱۳۹۵: ۲۴)

به نظر نگارنده با عنایت به گستره معنایی امر و نهی، مشکل در تعریف و تبیین درست واژه‌ها و در حقیقت مشکل در مفهوم شناسی این کلمات نیست بلکه توجه به وجوب یا استحباب امر و نهی و بکارگیری مفاهیم موجود، متناسب با شأنیت هر مرتبه است.

تعریف فقهی امر به معروف و نهی از منکر

با عنایت به معانی امر و نهی، و نیز معروف و منکر، امر به معروف، کلام یا کاری (قول و فعلی) است که طاعت را به دنبال دارد و نهی از منکر، قول یا فعلی است که مانع از کار ناپسند می‌گردد. «الامر بالمعروف و هو الحمل علی الطاعة قولاً، أو فعلاً و النهی عن المنکر و هو المنع من فعل المعاصی قولاً، أو فعلاً.» (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۴۰۹) امر به معروف، بر طاعت قولی و فعلی حمل می‌شود و نهی از منکر مانع شدن از انجام معاصی به واسطه قول و یا فعل است.

«الأمر طلب الفعل بالقول علی جهة الاستعلاء، و النهی نقیضه.» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۳۸) امر درخواست زبانی مبنی بر انجام کاری به جهت برتری است و نهی نقیض امر است.

بر این اساس امر به معروف حمل می‌شود بر طاعت و امتثال امر الهی و در حقیقت امر، امرکننده به امر الهی و مکلف به انجام تکلیف شرعی خود می‌باشد نه اینکه امر دستوری از ناحیه خویش صادر کند تا این اشکال وارد شود که چرا با توجه به روح لجوج انسان به خصوص در این موارد که پذیرای دستور و فرمان نیست برای این فریضه امر یعنی دستور و فرمان به کار رفته است. در این صورت، امر در معنای طلب و معنای خاصی که اصولیون برای آن بیان نموده‌اند (طلب عالی از دانی) تحقق پیدا می‌کند چرا که در اینجا در حقیقت، امرکننده خداوند تبارک و تعالی، و امر به معروف، مجری فرمان الهی است که به تکلیف شرعی خود عمل می‌کند. نهی نیز به همین صورت چون فرد ناهی، نهی‌کننده از معاصی است که خداوند متعال آنها را منع نموده و ناهی از منکر، مجری فرمان الهی است.

حال باید در پی این نکته باشیم که دعوت به معروفات که باید همراه با ملاحظت و مهربانی باشد و با حسن خلق انجام گیرد آیا امر که مقارن با جبر و قوه قاهر است در روند اجرای آن اخلال ایجاد نمی‌کند؟

گسترده‌گی و تعدد معنایی امر و نهی و ذو مراتب بودن این دوفریضه پاسخ مناسبی برای این مسئله است. در اینجا به مراتب امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌شود. مراتب انکار عبارتند از: انکار به قلب، لسان و ید (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۴۱) فقهاء در نوع و تعداد مراتب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر دارند. در دو مرتبه اول، امر و نهی عمدتاً ارشادی و استجابی است لذا باید بسیار لین و از سر رأفت و فارغ از معنای دستور و استفاده از جبر باشد چنانکه خداوند حتی در مورد فرعون به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهند که با قول لین او را دعوت کن **فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى** (طه: ۴۴) در تفسیر کوثر در ذیل این آیه شریفه آمده است: «این که به موسی و هارون امر شد که با فرعون به نرمی سخن بگویند، برای آن است که در دعوت به حق باید اصول و شیوه‌های درستی انتخاب شود و از همان آغاز با خشونت و سختگیری شروع نشود که طرف مقابل فرار می‌کند و به سخن حق گوش نمی‌دهد، ولی اگر با نرمی و ملایمت باشد، طرف آمادگی می‌یابد که مطالب را بشنود و درباره آن ببیند.»

(جعفری، ۱۳۷۶: ۵۷۰) مرحوم طبرسی در مجمع البیان در تفسیر ادامه آیه یعنی عبارت لَعَلَّه يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى آورده است: «او را از روی امید و انتظار دعوت کنید، نه از روزی یأس و عدم انتظار. بدهی است که اگر انسان کاری را از روی امید انجام دهد، بهتر به ثمر می‌رسد تا کاری را از روی یأس انجام دهد.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۰) و اساساً انبیاء و امامان (علیهم السلام) به همین خاطر مبعوث شده و در سیره آنان، نوع امر به معروف و نهی از منکر آنها در قالب دعوت و درخواست برای پذیرش دین بوده است. چنانکه پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید:

«بعثت لأئمة مكارم الأخلاق». (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۳۲۸) اساساً دعوت پیامبر (ص) بر اساس اخلاق و محبت بوده و خداوند متعال هم به پیامبر (ص) می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران / ۱۵۹) که ای پیامبر اگر نرم خو نبودی همه از اطراف تو می‌رفتند و ائمه (علیهم السلام) هم به همین صورت، چون هم سیره آنها مبتنی بر دعوت دلسوزانه و هدایتگرانه بوده و هم در احادیث شریفشان پیروانشان را به حرکت در این مسیر فرا خوانده اند. و اینها دو مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر را در بر می‌گیرند. پس امر و نهی که از آن یاد می‌شود اگر در مسیر درست خود و آنگونه که سیره انبیا و اولیاء الهی است انجام بگیرد منافاتی با روح نیک خواه انسان نداشته چرا که آفریننده این نظام هستی همانگونه که روح انسان را در برابر جبر و قهر و زور منفعل آفریده این روح را هم در مقابل حق تسلیم آفریده و فطرتاً حق را دوست دارد.

بنابراین معنای امر و نهی، در شیوه صحیح اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمود پیدا میکنند چون در همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر استفاده از قهر و دستور و فرمان صحیح نیست بلکه متناسب با هر مرتبه امر و نهی معنا می‌گردد ضمن اینکه لزوماً باید از ایسر صورت بگیرد تا برسد به مرتبه یدی که در این مرتبه دو نکته باید مورد توجه قرار بگیرد یکی اینکه شأن این مرتبه دستور و فرمان و استفاده از قوه قهریه است و دیگر اینکه این مرتبه فردی نیست بلکه از وظایف حکومت می‌باشد مرحوم سلار در مراسم می‌فرماید: فأما القتل و الجراح في الإنكار، فالى السلطان أو من يأمره السلطان. (سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۶۰)؛ از این رو باید گفت در همه مراتب صرف معنای دستور و فرمان برای امر و نهی به کار نمی‌رود البته در همه مراتب چون وجوب و استحباب وجود دارد در موارد امر به وجوب، دستور و فرمان جاری است و غیر از این معنا حکم تکلیفی امتثال نشده است لکن در موارد امر و نهی استحبابی لزومی به استفاده از دستور و فرمان نیست بلکه باید معانی غیر دستوری بکارگیری شود از آنجایی که در مراتب پایین، امر و نهی استحبابی بیشتر جریان دارد لذا عمدتاً امر و نهی در این مراتب در غیر معانی

دستوری بکارگیری می‌شوند لذا همواره در دو مرتبه لسانی و زبانی امر و نهی قرین ملاطفت و مهربانی است.

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم، آیات زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند؛ بعضی از این آیات به طور صریح و آمرانه و بعضی به طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه دینی می‌پردازند. با مطالعه کتب حدیث درمی‌یابیم که بیانات ائمه هدی (ع) درباره وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم و در راستای مضامین و اهداف قرآنی است. شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی‌شود، بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هر چند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی به آن مامور نیستند و این شروط جز در «معصوم» و گروه مومنان جمع نمی‌شود.

علی‌رغم اینکه برخی از افراد امر و نهی را به معنای دستور دادن به انجام یک کار و یا بازداشتن از آن می‌دانند، باید گفت این دو فریضه بسیار فراتر از معانی مذکور هستند و در هر یک از آن‌ها، مراتب معنای مطابق و متناسب وجود دارد. با توجه به تکلیفی بودن این دو فریضه، مهمترین عاملی که تعیین کننده معنای حکمی در هریک از مراتب است بحث وجوب و استحباب میباشد؛ بدین معنا که بدون وجوب و استحباب امر مولوی و ارشادی تحقق پیدا نمی‌کند وجوب و استحباب در تمام مراتب جریان دارد؛ از این رو در هریک از مراتب در بحث وجوب، امر و نهی باید دستوری مستعلیه صورت گیرد در غیر این صورت با تکیه بر حکم و اعتراف فقیهان صورت نگرفته و وظیفه و تکلیف شرعی به مرحله اجرا درنیامده است. آنچه که در امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم و در مرکز توجه است، اوامر و نواهی استجابی هستند.

امر و ناهی، هر دو مجریان فرمان الهی هستند که به این دو فریضه شرعی عمل می‌کنند. امر و نهی عالی نسبت به دانی بهترین دلیل برای عدم جبهه‌گیری افراد در مقابل امر و ناهی است؛ به این دلیل که امر و ناهی حقیقی، خداوند تبارک و تعالی است و خلائق در مرتبه پائین از خالق قرار دارند؛ از این رو در هر حال امر و نهی امر و ناهی چون منتسب به خداوند متعال است، وجه دستوری آن خدشه‌دار نمی‌شود که البته در موارد وجوبی دستوری بودن الزام دارد ولی در امور مستحب، فریضه امر و نهی با مهربانی و ملاطفت انجام می‌گردد.

اصل امر و نهی در مرتبه لسانی قابل تعریف است؛ زیرا این مرتبه محل گفتار است و دو مرتبه قلبی و لسانی عمدتاً فعلی هستند، ولی نتیجه نهایی انعکاس رفتاری و فعل رخدادی باید مبتنی بر امر و نهی مستعلیه باشد.

منابع

قرآن کریم

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. ۱۴۰۹ق، **کفایه الاصول**، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۲۰ق، «**علامه حلی**»، تحریر الأحکام الشرعية (ط-الحديثة)، چاپ اول، جلد ۲، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- بستانی، فواد افرام. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ ابجدی**، چاپ دوم، تهران، اسلامی.
- ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ش، **تفسیر روان جاوید**، چاپ سوم، جلد ۱، تهران، انتشارات برهان.
- جعفری، یعقوب. ۱۳۷۶ش، **تفسیر کوثر**، چاپ اول، جلد ۶، قم، انتشارات هجرت.
- جوهری، اسماعیل، الصحاح. ۱۳۷۶ش، چاپ اول، جلد ۶، بیروت، دار العلم للملایین.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین. ۱۴۰۳ق، **الکافی فی الفقه**، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین (ع).
- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری. ۱۴۲۵ق، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، چاپ اول، جلد ۱، قم، انتشارات مرتضوی.
- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری. ۱۳۸۴ش، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، مترجم بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، چاپ چهارم، جلد ۱، قم، انتشارات نوید اسلام.
- حیدری، علی نقی. ۱۳۸۳ش، **الاصول الاستنباط**، مترجمان، شیروانی، علی، غروی، محسن، چاپ اول، قم، دارالفکر.
- حاج صادقی، عبدالله. ۱۳۹۵ش، **راه نجات (امر به معروف و نهی از منکر)**، چاپ اول، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- حیدری، علی نقی. ۱۴۱۲ه.ق، **اصول الاستنباط**، چاپ اول، قم، لجنة اداره الحوزة العلمیه.
- خرمشاهی بهاء الدین انصاری. ۱۳۷۶ش، **پیام پیامبر (ص)**، چاپ اول، تهران، انتشارات منفرد.
- دیلمی، سائر، حمزة بن عبد العزيز. ۱۴۰۴ق، **المراسم العلویة و الأحکام النبویة**، چاپ اول، قم، ناشر منشورات الحرمین.
- راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۷۴ش، **مفردات الفاظ قرآن**، چاپ دوم، تهران، دارالعلم.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. ۱۴۱۴ق، **المحیط فی اللغة**، چاپ اول، جلد ۴، ناشر: عالم الکتب، مکان چاپ: بیروت.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، جلد ۷، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، چاپ سوم، جلد ۱، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عابدزاده، اصغر، امر به معروف و نهی از منکر؛ بایدها و نبایدها، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸ش، صص ۳۹۲ - ۳۶۱.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. ۱۴۱۰ق، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)**، چاپ اول، جلد ۲، قم، کتابفروشی داورى.

- علم الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی). ۱۳۷۶ ش، **الذریعه الى اصول الشریعه**، چاپ اول، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ ق، **کتاب العین**، چاپ دوم، جلد ۹، قم، نشر هجرت .
- فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، چاپ دوم، قم، منشورات دار ارضی.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ ش، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- مظفر، محمد رضا. ۱۴۳۰ ق، **أصول الفقه**، چاپ پنجم، قم، طبع انتشارات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، جلد ۶۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. بی تا، **تحریر الوسیلة**، جلد ۱، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ ش، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران، جلد ۳، دار الکتب الإسلامية.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: دانیاری محمد، حیدری عباس علی، قیوم زاده محمود، معناشناسی امر و نهی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۷۴-۶۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی